



جای پا

می روم آرام پشت پنجره ...

**می روم آرام پشت پنجره
کوچه سرتاسر سفید و دیدنی ست**

**نرم نرمک برف می بارد هنوز
توی سرما هیچ کس در کوچه نیست**

**چند گنجشک گرسنه آن طرف
روی بام خانه ای کز کرده اند**

**در حیاط خانه ای هم یک کلاغ
توی این سرما نشسته روی بند**

**می رود در انتهای کوچه مان
پیر مردی که عصا دارد به دست**

**آه در پشت سر او روی برف
جای پاهایی برهنه مانده است**

افسانه شعبان نژاد